

بهزاد یعقوبی از ضرورت آشنایی با پیشینه پایتخت همراه با تجربه‌ای نوین در فرهنگ مطالعه می‌گوید

یک فنجان تاریخ تهران در کافه دارالخلافة



مکان ها، حسین‌ها، نقی‌زاده/ایران

مکان امروز

شیمای جهانی

گروه ایران زمین

یکی از مهم‌ترین کمبودهای فرهنگی تهران، فقدان فضاهایی است که همزمان بتواند نقش کتابخانه، مرکز پژوهشی و کافه فرهنگی را ایفا کند. اما در دل تهران امروز، جایی هست که نه تنها بسوی کاغذ که بسوی تاریخ می‌دهد و در آن می‌توان به دل تاریخ پایتخت سفر کرد، اسناد و کتاب‌های قدیمی را ورق زد و در فضایی آرام از نوشیدنی و کتاب لذت برد. دارالخلافة کافه کتابخانه‌ای است که حالا عنوان کافه کتابخانه‌ای است که این خلأ را پر کرده و با تالاسی دلسوزانه و شخصی توسط مدیرش راه‌اندازی شده است. ماجراهای کافه کتابخانه

دارالخلافة، نه از حیاط دلگشا و اتاق‌های چشم‌نواز و نوستالژیک آماده شده برای پذیرایی، بلکه از کتابخانه کم‌نظیرش شروع می‌شود. «ایران» در گفت‌وگویی صمیمی با «بهزاد یعقوبی»، مدیر کافه کتابخانه دارالخلافة از اهمیت حفظ اسناد تاریخی تهران، چالش‌های راه‌اندازی و نگهداری این فضا و همچنین تلاش‌های خستگی‌ناپذیر برای ترویج مطالعه و پژوهش در حوزه تهران با ما سخن گفت.

لطفاً ابتدا درباره انگیزه و داستان شکل‌گیری کافه کتابخانه دارالخلافة بفرمایید. چه عاملی باعث شد این مجموعه فرهنگی پژوهشی شکل بگیرد؟

در این کافه علاوه بر کتاب‌های تاریخی، ادبی، رمان، روزنامه‌های صراسرافیل، مرآة السرف، تربیت، شرف و شرافت، دولت علیه، وقایع اتفاقیه، اطلاعات و مجلاتی چون سپید و سیاه، اطلاعات ماهانه، یادگار، معارف اسلامی، هنر و مردم، کنگ و تعدادی از اسناد و قفای تهران قدیم نیز برای پژوهشگران و علاقه‌مندان وجود دارد که به صورت کاملاً رایگان در دسترس آنان قرار می‌گیرد. علاوه بر این تعداد ۴۷۰ رمان به زبان‌های انگلیسی، فرانسوی و ایتالیایی در این

کافه برای گردشگران خارجی در نظر گرفته شده است.

از سال ۹۷ موضوع راه‌اندازی این کافه کتابخانه برای من بسیار جدی شد. البته با توجه به اینکه مادرم را که بسیار به آثار هنری و کتب علاقه‌مند بود خیلی زود از دست دادم. تصمیم من برای راه‌اندازی کافه به منظور حفظ نام مادرم جدی‌تر شد. از طرفی خیلی دوست داشتم کاری انجام دهم که بتواند هم گروه‌گشای پژوهشگران باشد و هم علاقه‌مندان به تاریخ تهران را گرد هم آورد.

همچنین پدرم در کودکی برایم داستانی از پهلول و باغ خسروشاهی تعریف می‌کرد؛ قصه‌هایی که در ذهنم ماندگار بود و الهام‌بخش اصلی برای ساختن این کافه کتابخانه شد. جایی که مردم و علاقه‌مندان به کتاب بتوانند در فضای گرم و صمیمی به تحقیق و مطالعه بپردازند و از این امکانات فرهنگی بهره ببرند.

شما اشاره کردید که این مجموعه نه تنها یک کتابخانه بلکه محلی برای نگهداری آرشیه‌ها، تابلوهای تاریخی است. لطفاً بیشتر درباره این آرشیه‌ها و اهمیت آنها توضیح دهید.

در این مجموعه بیش از ۳ هزار و ۵۰۰ جلد کتاب وجود دارد. همچنین آرشیه‌های شامل جرابید و روزنامه‌های دوره قاجار و پهلوی اول و دوم را نگهداری می‌کنیم. ما ۳۰ هزار برگ سند مرتبط با حوزه تهران در اختیار داریم و بیش از ۹ هزار فریم عکس تاریخی؛ این آرشیه‌ها برای پژوهشگران و دانشجویان منبعی بسیار ارزشمندتر کرده است. نکته مهم و جالب این است که هر اتاق در دارالخلافة به نام یکی از محلات قدیمی تهران نام‌گذاری شده تا هویت و خاطره هر محله زنده بماند. این رویکرد باعث شده که مراجعه‌کنندگان علاوه بر مطالعه، با تاریخ محلات شهر خود نیز آشنا شوند.

با توجه به هزینه‌های بالای جاری، چه مشکلات و چالش‌هایی برای حفظ و ادامه فعالیت دارالخلافة وجود دارد؟

هزینه‌های نگهداری این مجموعه بسیار سنگین است. فقط قبض‌های برق و گاز آب و تلفن و اینترنت ماهانه به چند ده میلیون تومان می‌رسد. ۵ نفر پرسنل داریم که حقوقشان هم سهم بزرگی از هزینه‌هاست. حتی بارها تصمیم گرفتیم

کافه پایین را ببندم و فقط فضای کتابخانه باقی بماند، اما معتقدم این ترکیب فضا برای جذب مخاطب و پویایی مجموعه ضروری است. در اصل فعالیت‌های این مجموعه کاملاً از سرعلاقه و تعهد فرهنگی است، نه برای سود مالی.

مخاطبان اصلی دارالخلافة چه گروه‌هایی هستند؟ چه نوع پژوهشگران و علاقه‌مندانی از خدمات این مجموعه بهره‌مندی می‌شوند؟

دانشجویان و پژوهشگران اصلی‌ترین مخاطبان ما هستند. آنها همیشه با مراجعه به دارالخلافة توانسته‌اند تحقیقات خود را پیش ببرند، بخش مهمی از انگیزه ادامه فعالیت این مجموعه همین رفغ نیازهای جوانان و پژوهشگران است.

در این مسیر بارها با دانشجویانی برخورد داشته‌ایم که برای انجام کارهای پایان‌نامه و... از خدمات ما بهره برده‌اند این باعث افتخار ماست که توانسته‌ایم سهمی در رشد علمی داشته باشیم.

باشد. ما تلاش کردیم فضایی ایجاد کنیم که برای همه اقشار جامعه قابل دسترس باشد.

در اصل کافه کتابخانه دارالخلافة تنها کتابخانه نیست؛ بلکه محلی برای برگزاری ایونت‌ها، نشست‌ها و گفت‌وگوهای تخصصی درباره تهران و تاریخ آن است. ما در طول سال چندین ایونت برگزار می‌کنیم که استقبال اینستاگرام لایو گذاشتیم که حدود ۱۸۳۵ نفر مراسم را دنبال کردند. پنج اینستاگرام ما بیش از ۲.۵ میلیون بازدید داشته و خیلی‌ها از این طریق با ما آشنا شده‌اند. این ارتباطات باعث شده که خیلی‌ها حتی از خارج از کشور به ما مراجعه کنند و از آرشیه‌ها و منابع استفاده و از ما حمایت کنند.

چالش‌ها و دستاوردهای کافه کتابخانه دارالخلافة چیست؟

ما تلاش کردیم فضایی ایجاد کنیم که هم‌زمان با حفظ میراث فرهنگی،



محل تلاقی پژوهشگران، دانشجویان، علاقه‌مندان و حتی مردم عادی باشد تا بتوانند در فضایی دوستانه و صمیمی به مطالعه و تحقیق بپردازند. اما پرداخت قبض‌ها برای یک فضای فرهنگی واقعاً دشوار است.

اینجا فقط یک کتابخانه نیست ما ۳۵۰۰ جلد کتاب و آرشیه‌های شامل بیش از ۲۰ هزار برگ سند تاریخی، روزنامه‌های دوره قاجار و پهلوی را در اختیار داریم. هر میز در این کافه به نام یک محله تاریخی تهران نام‌گذاری شده است و این تلاش می‌کند تا بازدیدکنندگان را به فرهنگ و تاریخ محلات تهران متصل کند.

خدمات این کافه کتاب برای مراجعان رایگان است. آیا این موضوع خیلی در روند مسیر کار شما ایجاد کرده است؟

عه‌ای می‌گویند این کار باعث کم‌آرزش شدن کتاب می‌شود، اما من معتقدم ما داریم خدمت فرهنگی می‌کنیم و یک ماه اخیر صادر شده است. وی حتی اگر از نگاه اقتصادی یا مذهبی هم نگاه کنیم، این کار به توسعه فرهنگی و اجتماعی ما کمک می‌کند. در این فضا هر کسی که به تاریخ تهران علاقه دارد می‌تواند بیاید و از منابع استفاده کند، بدون اینکه نگران هزینه‌های گراف

کتابخانه‌ای در دل کافه

در قلب شلوغ و پر جنب‌وجوش تهران، جایی هست که با عبور از در چوبی اش، ناکهان وارد جهانی دیگر می‌شوید؛ جهانی آکنده از عطر کاغذ و قهوه، طعم کیک دارجینی، و آرامشی که از صدای قطرات آب در حوض آبی حیاط سرچشمه می‌گیرد. اینجا «دارالخلافة» است؛ کافه‌ای فرهنگی هنری که در خانه‌ای تاریخی جان گرفته و امروز به بهشت کتابخوان‌ها بدل شده است.

نام «دارالخلافة» برگرفته از عنوان قدیم تهران است؛ لقبی که آقامحمدخان قاجار پس از انتخاب تهران به عنوان پایتخت بر آن نهاد. تهران آن روزها چهار محله داشت و به تدریج به شش محله گسترش یافت؛ محدوده‌ای که از شمال به خیابان انقلاب، از جنوب به شوش، از شرق به خیابان ۱۷ شهریور و از غرب به خیابان کارگر می‌رسید.

عمارت فعلی دارالخلافة، خانه‌ای ۲۶۰ متری است که روزگاری متعلق به مهین‌الملک وزینانی، داماد مظفرالدین‌شاه، بوده است. در دهه ۴۰ خورشیدی، این خانه به مالکیت امینی، نخست‌وزیر دوران محمدرضا پهلوی و شوهرخاله مهین‌الملک درآمد و توسط او وقف شد. سال‌ها بعد، این خانه که به مخروبه‌ای بدل شده بود، توسط مالک فعلی کافه با هزینه شخصی و بدون حمایت نهادهای دولتی مرمت و با طراحی داخلی منحصره‌فرد، به مکانی فرهنگی هنری تبدیل شد.

فضای داخلی دارالخلافة با الهام از معماری ایرانی طراحی شده؛ همان سبک اصیل با اندرونی، بیرونی و شاه‌نشین. دکوراسیون آن، از کاغذدیواری‌ها تا کاشی‌کاری‌ها، بازتابی از زیبایی‌های دوران قدیم است. در حیاط، حوضی که



در این مجموعه

بیش از ۳ هزار

و ۵۰۰ جلد

کتاب وجود

دارد. همچنین

آرشیه‌ی

شامل جرابید

دوره قاجار و

روزنامه‌های

پهلوی اول و

دوم را نگهداری

می‌کنیم. ما ۳۰

هزار برگ سند

مرتبط با حوزه

تهران در اختیار

داریم و بیش

از ۹ هزار فریم

عکس تاریخی؛

این آرشیه‌ها را برای

پژوهشگران

و دانشجویان

منبعی بسیار

ارزشمندتر کرده

است

نقش کافه در فرهنگ‌سازی و ایجاد فضای اجتماعی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

وجود بخش کافه در کنار کتابخانه، این امکان را فراهم می‌کند که افراد بتوانند در کنار مطالعه و تحقیق، لحظاتی آرامش بخش و دوستانه داشته باشند. فضای کافه باعث شده که بازدیدکنندگان پیش‌تر جذب شوند و اینجا تنها محلی برای کتابخوانی خشک و رسمی نباشد. تلاش شده که خدمات



امکانات به گونه‌ای باشد که طیف گسترده‌ای از جامعه بتوانند بهره‌مند شوند: دانشجویان، پژوهشگران، هنرمندان و حتی خانواده‌ها به اینجا می‌آیند. این ترکیب افراد با زمینه‌های مختلف علمی و فرهنگی، فضای خاصی ایجاد کرده که باعث رشد و توسعه فرهنگی منطقه شده است.

نقش و جایگاه حمایت‌های دولتی و سازمان‌های مرتبط مانند وزارت میراث فرهنگی و گردشگری در موفقیت و پایداری این مجموعه چیست؟

مجموعه بخشی از برنامه‌های گردشگری فرهنگی شهر تهران باشد. اگر نهادهای میراث فرهنگی و گردشگری به ما بپیوندند و حمایت کنند، می‌توانیم خدمات گسترده‌تر و بهتری ارائه دهیم. از مردم می‌خواهم که بیشتر به اهمیت چنین فضاهایی پی ببرند، این مکان متعلق به همه شهروندان است و باید با مشارکت و حمایت همگانی، زنده بماند.

چه چشم‌اندازی برای کافه دارالخلافة



در آینده دارید؟ چه برنامه‌هایی برای توسعه و گسترش فعالیت‌ها در نظر گرفته‌اید؟

پایتخت ما کمبودهای زیادی در حوزه فرهنگ و تاریخ دارد. این خلأ باعث شد که من به عنوان یک شهروند، خودم دست به کار شوم و این کافه کتابخانه را راه‌اندازی کنم.

از سال ۹۷ که مادرم را از دست دادم، شدت علاقه‌ام به این موضوع بیشتر شد. مادرم همیشه عاشق کتاب و هم‌کاری نهادهای مسئول، گروه‌های کور توسعه شهری شمشک دربندسر کاشوده شده و این منطقه کوهستانی، در مسیر توسعه‌ای پایدار و متوازن کام بردارد؛ توسعه‌ای که هم طبیعت را پاس دارد و هم نیازهای انسانی را پاسخ گوید.»



من پول بدهد یا حمایت مالی داشته باشم، اما واقعیت این است که بدون حمایت نمی‌توان این فضا را حفظ کرد. حتی بعضی وقت‌ها به من گفته‌اند این کافه را ببندم چون هزینه‌اش زیاد است، ولی من نمی‌خواهم این کار را انجام دهم.

چنین مراکز برای تسوی نهادهای دولتی و فرهنگی حمایت شوند. وزارت میراث فرهنگی، سازمان گردشگری و شهرداری باید این مراکز را به عنوان بخشی از هویت فرهنگی شهر حمایت

کنند. این مجموعه تنها یک کتابخانه نیست، بلکه محلی برای گردهمایی فرهنگی، نشست‌های تخصصی، پژوهش و حتی رویدادهای هنری است. این فضا توانسته جذب قابل توجهی از دانشجویان، پژوهشگران، هنرمندان و حتی مردم عادی داشته باشد. ما هر هفته میزبان پژوهشگران زیادی هستیم که برای انجام تحقیق و نوشتن پایان‌نامه به اینجا می‌آیند. برخی حتی از دانشگاه‌های دوردست برای بهره‌برداری از آرشیه‌ها می‌آیند.

هدف ما تنها نگهداری اسناد و کتاب‌ها نیست، بلکه می‌خواهیم فرهنگی را زنده کنیم که فراموش شده است. اگر به ما کمک شود، می‌توانیم این فضا را گسترش دهیم و به مرکز مهم برای تاریخ و فرهنگ تهران تبدیل کنیم. اگر بخواهید پیام خود را به مسئولان، نهادهای فرهنگی و همچنین مردم بفرمایید، چه نکاتی را مطرح می‌کنید؟

پایتخت ما از نظر فرهنگی دچار کمبودهای جدی است؛ فضاهایی که تاریخ و هویت شهر را حفظ و به نسل جدید منتقل کنند، بسیار محدود است.



شمشک دربندسر به پایین‌ترین سطح در شرق تهران برسد. «اسفندیار شمشکی» دیگر عضو شورای شهر نیز در ادامه گفت‌وگو با «ایران» می‌گوید: «در این مدت، جرایم مربوط به تبصره ۱۱ را افزایش دادیم تا مانعی جدی برای تخلقات ایجاد شود. همچنین جرایم مربوط به افزایش طبقات را به‌صورت تصاعدی بالا برده و برای ساخت‌وسازهای محدودتر، کمترین عوارض را در نظر گرفتیم. او با اشاره به جهش بی‌سابقه قیمت املاک در سال ۱۴۰۱، از ناتوانی بسیاری از شهروندان در نوسازی املاک سخن

فرسوده، تعریض معابر و ایجاد فضاهای عمومی و امدادی، مطابق با ضوابط طرح‌های بازآفرینی کردیم. همچنین حدود ۸۰ هکتار از اراضی محدوده شهری را با کاهش تراکم، از چرخه ساخت‌وساز خارج کرده و از ابتدای دوره ششم تاکنون، تنها ۳۷ پروانه و دو مجوز ساخت‌وساز در یک ماه اخیر صادر شده است. وی تأکید می‌کند: «تمرکز شورا بر ایجاد درآمدهای پایدار بوده است؛ از جمله دریافت ملک به جای نقدینگی و مشارکت در توسعه زیرساخت‌های گردشگری. این سیاست‌ها باعث شده تا نرخ تخلقات ساختمانی در

مفاد پروانه‌ها انجام شده‌اند و طبق ماده ۱۰۰ قانون شهرداری، تخلف محسوب شده و مستلزم برخورد قانونی است.

محمدتقی جیرویی، عضو شورای شهر شمشک دربندسر، در گفت‌وگو با «ایران» می‌گوید: «پیش از اجرای طرح‌های در سال ۱۳۹۹، بدون توجه به ظرفیت زیرساخت‌ها و ویژگی‌های توپوگرافی منطقه، توافقاتی برای ساخت‌وساز تا سقف ۲۴۲ هزار و ۴۰۰ مترمربع انجام شده بود. اما در دوره جدید، این روند اصلاح شد. در کام‌اول، بافت قدیمی شهر را با هدف احیای مناطق

شهر کوهستانی شمشک دربندسر، با قله‌های سر به فلک کشیده و طبیعتی ناب و آرام، سال‌ها مأمین دل‌سپردگان برف، سکوت و زیبایی بوده است. اما در سال‌های اخیر، سیمای این منطقه رویایی دستخوش دگرگونی‌هایی شده که حاصل رشد بی‌رویه ساخت‌وسازهای مجاز و غیرمجاز است؛ خانه‌هایی که بی‌اعتنا به طرح‌های هادی و اصول شهرسازی، بردارنده‌های کوه‌ها را خوش کرده‌اند و آرامش طبیعت را برهم زده‌اند. ساخت‌وسازهایی که گاه پیش از تشکیل رسمی شهر و بدون دریافت مجوزهای قانونی، با برخلاف

نبرد میان توسعه شهری و حفظ طبیعت کوهستانی در شمشک دربندسر

توسعه پایدار در سایه قانون